**٤٠ - عدم تناهی فضا و خلقت و معنی سماء و افلاک سبعه**

و از حضرت بهاءالله است. قوله الاعلی: "اين که از ارض سئوال نموده بودی و ما نطق به الحکماء فی‏الحقيقه اين امور تا حال بتمامه کشف نشده هذا هوالحقّ و ما بعده الا الضلال ولکن حکمای اين عصر نظر باينکه از تجلّيات انوار ظهور قسمتی برده‏اند اعرف از قبل‏اند تا حال عدد سيّارات را بتمامه نيافته‏اند عنقريب کشف ميشود و بر عدد سابق ميافزايد. اين علم بحری است بی پايان از برای هر يک از ثوابت سيّاراتی است و هريک از سيّارات عالمی است از عوالم پروردگار من يقدر ان يحصی جنود ربک فيها او صنايع عباده فيها."

و در لوحی از آن حضرت است . قوله الاعلی: "و اينکه از افلاک سئوال نموده‏ايد اوّلا بايد معلوم نمود که منظور از ذکر افلاک و سماء که در کتب قبل و بعد مذکور چيست و همچنين ربط و اثر آن بعالم ظاهر بچه نحو. جميع عقول و افئده در اين مقام متحيّر و مبهوت و ما اطلع بها الا الله وحده حکماء که عمر دنيا را بچندين هزار سال تعبير نموده‏اند در اين مدّت سيّارات را احصاء ننموده‏اند چه مقدار اختلاف در اقوال قبل و بعد ظاهر و مشهود و لکلّ ثوابت سيّارات و لکلّ سيارة خلق عجز عن احصائه المحصون."

و از حضرت عبدالبهاء است. قوله العزيز: "اين آفتاب فلک اثير را اشراق بر آفاق است و جميع کائنات ارضيّه بفيض تابشش در نشو و نما است اگر حرارت و اشراق آفتاب نبود طبقات کره ارض تشکيل نميشد و معادن کريمه تکوّن نمی‏يافت و اين خاک سياه قوّه انبات نمی‏جست و عالم نبات پرورش نمی‏افت و عالم حيوان نشود و نما نميکرد و عالم انسان در کره ارض تحقّق نمی‏يافت. جميع اين بخشايش از فيض آفتاب است."

و قوله الکريم: "و ان الاکتشافات التی سبقت للتقدمين من الفلاسفة و ارائهم لم تک مؤسسة علی اصل يقين و اساس رصين لانهم ارادوا ان يحصروا عوالم الله فی اضيق دائرة و اصغر ساهرة و تحيّروا فی ما ورائها الی ان قالوا لاخلاء و لا ملأ بل عدم صرف و هذا الرای مناف و مباين لجميع المسائل الالهيّة و الاسرار الربانية بل عند تطبيق عوالم المعانی بالصور و الروحانيات بالجسمانيات تجد هذا الرأی اضعف من بيت العنکبوت لان العوالم الروحانية النورانية منزّهة عن حدود الحصرية و العددية و کذلک العوالم الجسمانية فی هذا الفضاء الاعظم الاوسع الرحيب ... و امّا ما ذکر من الطبقات السبع و السموات السبع المذکورة فی الاثار التی سبقت من مشارق الانوار و مهابط الاسرار لم يکن الا بحسب اصطلاح القوم فی تلک الاعصار کلّ کور له خصائص بحسب القا بليات و استعداد ظهور الحقائق من خلف الاستار اذ کلّشيئی عند ربک بمقدار و ما قصدوا بذکر الافلاک الا المدارات للسيّارات الشمسيه التی فی هذا العالم الجامع لنظام الشمس و توابعها لان سيّارات هذه لشمس اولو الاقدار السبعة من حيث الجرم و الجسامة و الروية و النور و مدار القدر الاول منها فلک من افلاک هذ العالم الشمسی و سماء من سموات هذه الدائرة‌ المحيطة المحدوده للجهات الواقعه ضمن محيطها و کذلک کلّ الدراری الدرهرهة الساطعه فی وجه السماء التی کلّ واحد منها شمس و لها عالم مخصوص بتوابعها و سيّاراتها اذا نظرت اليها تجدها بالنظر الی ظهورها الی الابصار من دون واسطه مرايا المجسمه يظهر انها علی اقدار سبعة و مدار کلّ قدر منها او دائرته سماء مرفوع و فلک محيط فی الوجود ..."